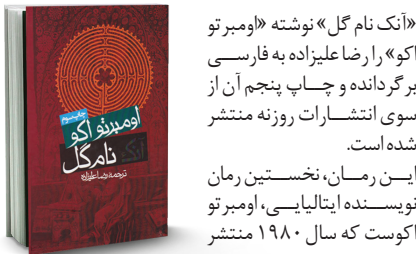
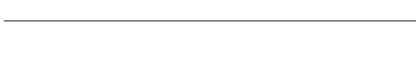


رمان

## آنک نام گل



«آنک نام گل» نوشته «ومبر تو اکو» را رضا علیزاده به فارسی برگردانده و چاپ پنجم آن از سوی انتشارات روزنه منتشر شده‌است. این رمان، نخستین رمان نویسنده ایتالیایی، اومبر تو اکوست که سال ۱۹۸۰ منتشر شد.این اثر، یک داستان معملایی و تاریخی است که در صومعه‌های ایتالیایی در سال ۱۳۲۷ میلادی می‌گذرد و به‌شکلی هنرمندانه، نشانه‌شناسی، تحلیل کتاب مقدس، مطالعات فرون وسطی و تئوری‌های ادبی را با ادبیات داستانی ترکیب کرده‌است. سال ۱۳۲۷ میلادی است و خانواده فرانسیسکان در کلیسای ژرومندانه به کفر و ارتداد متهم شده‌اند و «برادر ویلیام» از باسکرویل به‌منظور تحقیق و بازپرسی این پرونده آمده‌است، اما زمانی که هفت قتل عجیب بر این پرونده معمولی سایه می‌افکند، برادر ویلیام به کار آگاهی جنایی تبدیل می‌شود. ابزار او برای حل این معماها، منطق ارسطویی، خداشناسی آگوستاس و فرضیه‌های تجربی راجر بیکن هستند که همگی باطنزی گزنده و کنجکاوی بی‌حد و حصر به اوج خود رسیده‌اند. او شواهد و مدارک را جمع و نمادها و نوشته‌های سری را رمز‌گشایی می‌کند و قدم به قدم به هزار توی اسرارآمیز کلیسا می‌گذارد، جایی که در آن، جالب‌ترین چیزها در شب اتفاق می‌افتد. این رمان جزو فهرست ۱۰۰ کتاب قرن لوموند و همچنین هفتصه جزو لیست پر فروش ترین‌های نیویورک تایمز بوده‌است، فیلمی هم براساس آن در سال ۱۹۸۶ ساخته شده‌است. انتشارات روزنه این کتاب را به‌بهای ۳۰۰هزار تومان منتشر کرده‌است.



فلسفه

## فلسفه تحلیلی



دانش‌های بنیادی اشتغال داشته، به نگارش درآورده‌است. معرفت‌شناسی، عقلانیت، فلسفه دین، تصورات وظیفه‌گرایانه در مقابل تصورات غیروظیفه‌گرایانه از توجیه معرفتی، حسن ظن، ترتب و شسکایت، معرفت و انواع بحث معرفتی، برون‌گرایی، جابه‌جایی آرام و معرفت‌ممتاز به خویش، برون‌گرایی در باره محتوا و مباحثه درون‌گرایی/برون‌گرایی در نظریه‌توجیه، انواع محافظه‌کاری معرفتی،هدف فرد دادن صدق اهداف باوری در مقابل اهداف معرفتی، مفهوم استحقاق و مدخلیت معرفتی آن، هنجارمندی معرفتی؛ از پیامدگرایی معرفتی مستقیم به غیرمستقیم، تملک دلایل؛ چارچوبی استعداده‌محور، تحلیلی استعدادی از توجیه‌گزارهای و توجیه‌باوری، استعدادها و مسئله رابطه ایتنا عناوین برخی از مقالات اصلی این کتاب ۲۰۲صفحه‌ای‌اند. حمید وحیدسنجرجی معروف به حمید وحید، رئیس پژوهشکده فلسفه تحلیلی در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی از سال۱۹۸۸ تاکنون است. او یکی از برگزیدگان دومین دوره جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی تحقیگان در سال ۱۳۹۱ است. نشر هرمس این کتاب را به بهای ۲۹۶هزار تومان منتشر کرده‌است.



فیلمنامه

## طلسم شهر سنگی

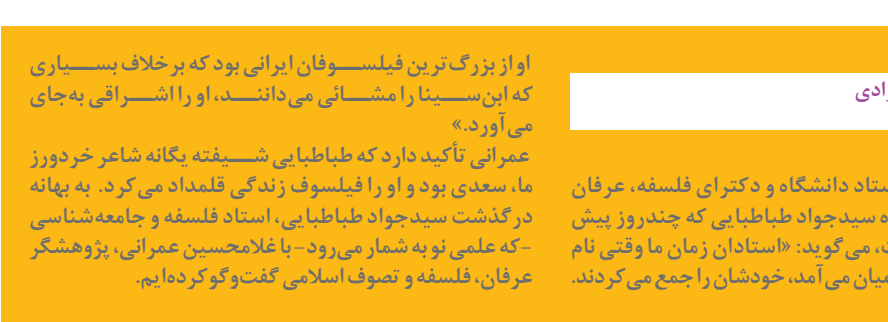


«طلسم شهر سنگی» عنوان فیلمنامه‌ای از بهزاد بهزادپور، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تدوینگر و بازیگر سینماست که براسای یک انیمیشن سینمایی با درونمایه تاریخی نوشته شده‌است. در «طلسم شهر سنگی» نوشته بهزاد بهزادپور، داستانی تاریخی در زمانه پادشاهی نمرود در شهر بابل روایت می‌شود؛ داستانی که در آن خیر و شر در قالب نیروها و اشخاص فیزیکی و خیالی باهم در آمیخته می‌شوند و داستانی شگفت و پرکشش را رقم می‌زنند. بنکده شهر نمرود به درخواست نمرود به‌دنبال قربانی کردن مردم شهر به پای بتان برای خشنودی آنهاست و این مسئله خسوفتی عریان را بر شهر حاکم کرده‌است. از سوی کارگزاران به‌دنبال انتخاب قربانی از مردمان شهر هستند و در مقابل کودکان، حیوانات و موجوداتی خیالی به‌دنبال تدبیری برای مقابله با ظلم نمرود. بهزادپور در کارنامه کاری خود طی ۵۵دهه گذشته تجربه نویسندگی و ساخت در گونه‌های مختلف سینمایی را داشته‌است و این کتاب به‌نوعی در زمره نخستین تجربه‌های مکتوب وی در حوزه سینمای انیمیشن و مخاطبان کودک و نوجوان است. بهزادپور در تمامی سال‌های فعالیت سینمایی خود به‌عنوان هنرمندی ساعتی ساختن شناخته شده‌است. از «آخرین شناسایی» که ساخته‌شدن آن در زمان خود جسارتی قابل تحسین بود تا «خداحافظ فیق» که پس از ساخت واکران توجه‌های بسیاری را به‌خود جلب کرد. انتشارات نیستان این فیلمنامه ۲۳۶صفحه‌ای را به‌بهای ۸۷هزار تومان منتشر کرده‌است.

# کتاب‌واندیتشه

# «طباطبایی» جایگزین ندارد

گفت‌وگو با غلامحسین عمرانی درباره سیدجواد طباطبایی که به تازگی در گذشت



اگر بخواهیم از لحاظ فرهنگی بحث کنیم، سیدجواد طباطبایی یک اسلام‌شناس بود، اما وجه تمایز ایشان آن بود که او به دین مبین اسلام به‌عنوان یک فرهنگ می‌نگریست و نه ایدئولوژی صرف و دایره وسیع‌تری را به لحاظ اندیشگی به ذهن و زبانش راه می‌داد. وقتی که ایشان از این دیدگاه اسلام‌شناس بود، باید بررسی کرد که اغلب فلاسفه در ایران تصور ذهنی و باورشان درباره ایشان بگویم که به‌غایت باسواد بود و در کار و فعالیت حرفه‌ای‌اش وزنه‌ای به شمار می‌رفت. **می‌خواهم به شکل جزئی‌نگرانه به موضوع، سواد و فعالیت فلسفی استاد طباطبایی بپردازید.**

زمانی که دانشجوی فلسفه و عرفان و همچنین رشته ادبیات بودم، استادان ما وقتی از ایشان نام می‌بردند، واقعا و بی‌مجاملت باید بگویم که تن و بدنشان می‌لرزید و خودشان را جمع می‌کردند. این به‌دلیل سواد و دانش وسیع طباطبایی بود. به گمانم ایشان در ایران رقیب نداشت. به دشواری می‌توان برای او بدیلی در نظر گرفت و شاید با اندک تأملی بتوان به جرأت گفت که جایگزینی نداشت.

**به لحاظ سواد و دانش فلسفی چه جایگاهی داشت؟**
او با مجموع آثارش در یک کلام همواره طرحی نو در انداخت. همچنین کربن‌شناس شاخصی محسوب می‌شد. شاید در یک جمله بتوانم بگویم که در کشورمان بهترین هنری کربن‌شناس بود و کسی به‌گردپایش نمی‌رسید.

**به کدام اثر ایشان قربایت ذهنی بیشتری داشتید و کدام کتابش را بیشتر ارج می‌نهادید؟**
کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ایشان از نگاه من، یکی از زیانزده‌ترین و درخشان‌ترین آثار طباطبایی است. این اثر نوشته «هانری کرتین» است و ایشان آن را به فارسی برگردانده‌است، اما خود ایشان از حیث فلسفی، اسلام‌شناس سسرآمدی بود. این مهم را تنها از یک جنبه دینی نمی‌توان بررسی کرد. منظورم از لحاظ فلسفی و گستره فلسفی، این تعریف درباره او صادق است.

**وجه تمایز شما برای اسلام‌شناس بودن ایشان نه صرفا از حیث دینی و به لحاظ گستره فلسفی به چه معناست؟**

به تازگی چاپ هشتم کتاب «مرد رؤیایا» اثر سیدمهدی شجاعی در ۳۸۸صفحه‌رقعی

از سوی نشر نیستان وارد بازار کتاب شد. شجاعی در این کتاب نگاهی متفاوت دارد به زندگی شهید مصطفی چمران. در ادامه مروری کوتاه داریم بر این کتاب.

نویشتن درباره افرادی که امروز در میان ما زندگی نمی‌کنند و در عین حال به‌دلیل موقعیت اجتماعی خود بسیار در معرض دید

جامعه پیرامون خود بوده‌اند، کار ساده‌ای نیست؛ چون به‌طور قطع، کثرت منابع و آثار تولیدشده درباره چنین افرادی، راه را بر خلق اثری جذاب و بکر می‌بندد و به احتمال زیاد هرآنچه در مورد او می‌یابست بیان می‌شده، تا پیش از این گفته شده‌است. شهید مصطفی چمران، از جمله چنین افرادی در زمانه ماست که به‌طور عمده در ایران به دلیل نوع حضورش در سال‌های دفاع مقدس در جبهه‌های غرب و نیز اطلاعاتی مختصر از حضورش در لبنان شناخته شده‌است، اما سیدمهدی شجاعی در تازه‌ترین اثر خود که در قالب فیلمنامه یک‌سریال ۱۳۳قسمتی و درباره او نوشته شده‌است، سراغ نیمه پنهان زندگی چمران رفته‌است و به‌راحتی تمامی مصایب موجود پیرامون نوشتن از چنین افرادی را پشت سر گذاشته‌است. به‌عبارت ساده‌تر «مرد رؤیایا» که امروز پیش از تصویری شدن، خواننده شده‌است، داستانی است از زندگی شهید چمران در آمریکا، لبنان و مصر که تا پیشش از این کمتر درباره آن صحبتی به‌میان آمده‌است.

شجاعی در «مرد رؤیایا» با درک افضای تحمل مخاطب، نه به سوی خلق یک اثر اکشن و پرکشش وزد و خورد رفته‌است و نه سراغ خلق یک ملودرام عاشقانه از زندگی یک مجاهد و شهید ملی. او در «مرد رؤیایا» سعی کرده به دور از احساسات، پیش از هر چیز به خلق یک ساختار واقعی از شخصیت مردی رؤیایی دست پیدا کند؛ فردی که در عین عملگرایی و فعالیت براساس اصول و شیوه‌های مبارزه سیاسی و نظامی چریکی، عاشق پیشه نیز هست و روابط عاطفی زندگی را نیز فراموش نمی‌کند. به‌عبارت دیگر چمران از نگاه شجاعی، فردی به‌شدت معتدل است و این اعتدال یعنی رعایت همه‌جوانب و ظواهر زندگی فردی و اجتماعی توأم با هم، مبارزه و گسیختن از دنیا در عین وابستگی‌های عاطفی و زمینی.

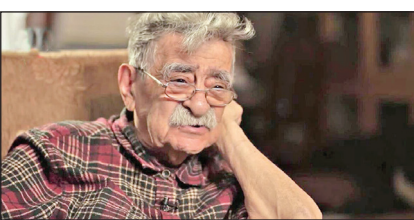
# کتاب‌واندیتشه

# «طباطبایی» جایگزین ندارد

گفت‌وگو با غلامحسین عمرانی درباره سیدجواد طباطبایی که به تازگی در گذشت

در بچه

## اهدای کتابخانه و دست‌نوشته‌های عبدالله انوار به کتابخانه ملی



غلامرضا امیرخانی، استادیار کتابخانه ملی گفت:استاد عبدالله انوار به‌دلیل تعلق خاطری که به کتابخانه ملی داشت، کتابخانه و دست‌نوشته‌های خود را به کتابخانه ملی تقدیم کرده بود.

به گزارش ایبنا، مراسم تشییع استاد سیدعبدالله انوار، دبروز، شنبه ۲۰اسفندبا حضور چهره‌های مطرح فرهنگ چون محمدحسن سمسار، مهدخت معین، محمدحسین رجبی دوانی، نوشاد رکنی، احسان شکراللهی، فریبا افکاری، حسین بلخاری، محمدحسن خوشنویس، اکبر ایرانی، محمدرضا ازاری، محمدرضا نصیری، علی بهرامیان، جمشید کایفر، رضا صالحی امیری، غلامرضا امیرخانی و عده‌ای دیگر از اهالی فرهنگ در تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد. در این مراسم، فیلم مستندی از زندگی سیدعبدالله انوار با تکیه بر وجه تهران‌یزوهی او بخش شد. غلامرضا امیرخانی در این مراسم گفت: در خانواده استاد افراد بزرگی حضور داشتند و پدر ایشان، یعقوب انوار از مشروطه‌خواهان و خواهرشان، فرشته انوار کتابدار برجسته‌ای بود. او افزود: استاد فرزندی نداشت، اما فرزند ماندگارش کتاب‌های اوست که هنوز برخی از این کتاب‌ها به چاپ رسیده‌اند. این استادیار کتابخانه ملی ادامه داد: او برایم تعریف کرد که یک روز محمد معین او را در یک کتابفروشی می‌بیند و از انوار برای کار در لغتنامه دعوت می‌کند. درواقع او جزو جوان‌ترین اعضای لغتنامه بود. غلامرضا امیرخانی گفت: ۳۲سال پیش خیابانی در میرداماد از سوی شهرداری به نام او شد که وقتی از او پرسیدم چه احساسی دارید، گفت:بله، شنیدم که خیابانی به نام من شده‌است. او افزود: چندسال پیش باهم به نامشای اکران خصوصی «مژستان» (روایت تاریخی از خیابان لالهزار تهران) رفتیم که در آنجااستاد با حافظه‌قوی‌ای که داشت بسیاری از نکات درباره این خیابان را توضیح داد. این نسخه‌پژوه عنوان کرد: زمانی در دوره پهلوی در وزارت فرهنگ خواستند به او جایزه سلطنتی اهدا کنند که به‌صورت مکتوب از پذیرفتن جایزه استنکاف کرد. او ادامه داد: استاد به‌دلیل تعلق خاطری که به کتابخانه ملی داشت، کتابخانه و دست‌نوشته‌های خود را به کتابخانه ملی تقدیم کرد. پیکر استاد سیدعبدالله انوار در ابن‌بابویه در کنار پدر و مادرش به خاک سپرده شد.

یاد

## بزرگداشت میمنت میرصادقی



مراسم بزرگداشت میمنت میرصادقی (ذوالقدر)، شاعر نیمایی بر گزار می‌شود. به گزارش همشهری، ششصد و شصتین‌شرب ای شهبای بخارا به بزرگداشت این شاعر اختصاص یافته که از ساعت ۱۷ امروز، یکشنبه، بیست‌ویکم اسفند ۱۴۰۱ با حضور محمدرضا شفیعی کدکنی و سخنرانی فرخ‌لقانویای بروجنی، مریم میرشمسی، زهرانادری، مسعود جعفری جزی، کامیار عابدی، نیما ظاهری، ثمنینه باغچه‌بان و علی دهباشی در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی به نشانی خیابان نجات‌اللهی (ویلا)، چهارراه ورشو بر گزار خواهد شد. در معرفی این شاعر آمده‌است: میمنت میرصادقی (ذوالقدر) زاده ۱۳۱۶ در استهبان فارس، از ۱۴سالگی سرودن شعر را آغاز کرد. ذوق ادبی‌اش تحت‌تأثیر محیط ادبی و فرهنگی خانواده و شهر شیراز بالید و پرورش یافت. در ۱۳۳۳ همراه با خانواده به تهران رفت و در ۱۳۳۵ دیپلم ادبی گرفت و در همان سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل شد.

در ۱۳۳۹ با جمال میرصادقی ازدواج کرد. در ۱۳۵۲ در رشته کتابداری فوق لیسانس گرفت و سال‌ها در کتابخانه دانشگاه تربیت معلم خدمت کرد. وی در آغاز در قالب کلاسیک شعر می‌سرود، دهه ۴۰به شعر نیمایی روی آورد و به جرگه شاعران «مکتب سخن» پیوست. تاکنون ۱۵دفتر شعر از او منتشر شده و مجموعه اشعار میمنت میرصادقی به همت نشر اکه در زمستان ۱۳۴۱ انتشار یافته‌است.از جمله کتاب‌های پژوهشی او می‌توان به «پوازه‌نامه هنر شاعری»، «از دیر تا هنوز»، «مان‌های معاصر فارسی» و از ترجمه‌هایش می‌توان به «ابن هنر شعر» نوشته بورخس، «تسادلت می خواهد آرزو کن» از آدری اوسانسکی و «شاعری شیفته رنگ» از فدریکو گارسیا لورکا اشاره کرد. همچنین از او کتاب‌هایی مثل «داستان‌های شاهنامه برای نوجوانان» منتشر شده‌است. شفیعی کدکنی درباره شعر میمنت میرصادقی می‌گوید: «میمنت خانم یکی از زلال‌ترین صداهای شعر عصر ماست؛ دور از هرگونه «تکمله تبلیغاتی» و «آونگ ایدئولوژیک»؛ شاعری است رها و «بی‌ضمیمه».



## قصه‌های کهن

## کشف هیبت خالق

منکری به امتحان نزد شیخ ابابزید بسطملی آمد و گفت: «فلان مسئله بر من کشف گردان.» شیخ، انکار در وی دید و گفت: «به فلان غره، غاری است و در آن غار، یکی از دوستان ماست. از او سؤال کن تا بر تو کشف گرداند!» منکر، برخاست و به آن غار رفت. ازدهای دید، عظیم و سهمناک. جامه نجس در پی‌ خود، خود را از آنجا بیرون انداخت و کشف در آنجا بگذاشت و همچنان خدمت امید خود در پایش افتاد. شیخ گفت: «تو از هیبت «مخلوق» بی‌کشف نگاه نمی‌توانی داشت؛ در هیبت خالق چگونه کشف نگاه کنی؟»

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

شب میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (تولدش)

منکری به امتحان نزد شیخ ابابزید بسطملی آمد و گفت: «فلان مسئله بر من کشف گردان.» شیخ، انکار در وی دید و گفت: «به فلان غره، غاری است و در آن غار، یکی از دوستان ماست. از او سؤال کن تا بر تو کشف گرداند!» منکر، برخاست و به آن غار رفت. ازدهای دید، عظیم و سهمناک. جامه نجس در پی‌ خود، خود را از آنجا بیرون انداخت و کشف در آنجا بگذاشت و همچنان خدمت امید خود در پایش افتاد. شیخ گفت: «تو از هیبت «مخلوق» بی‌کشف نگاه نمی‌توانی داشت؛ در هیبت خالق چگونه کشف نگاه کنی؟»